افغانستان آزاد ــ آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مبـــاد بدین بوم وبر زنده یک تن مــباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com afgazad@gmail.com

Literary-Cultural	ادبی ـ فرهنگی

ملک الشعراء
استاد محمد نسیم "اسیر"

گنج و مار!!!

ماری نشسته حلقه زنان در جـــــوار گنـج واکــرده چشم هـــوش به هر گوشه و کنار
از هــر نفس بسان سپندی در اضطـــــراب وز هــر صـدا به گونهٔ سیماب بی قـــــرار
ننهاده دیده بر سرِ هم، روزهـــــا به خواب شبها نشسته بر سر آن گنـــــــــج زنده دار

******

گنجش بگفت ای همه تن کُلفَت و کـــــریه ما را چـــــــه نسبت است به تو اندرین دیار
ما صاف و پاک، لیـک تو یکسر پلید و زشت ما دُرّ و گـوهـــــــــــریم، تو مار جفاشعار
ما نوش میدهـیم و تو خـــــــود نیش میزنی مردم به ما فـــــــــریفته، از تو به انزجـــار
ما حلقه میزنیم به گـــــــــردن برای زیب لیکن تو از برای بلاهـــــــــای بی شمار
از تو کنند نفـــــــــــرت و از ما به احترام انگشــتری درست نمایند و گـــــــــوشوار
ما را به پیش خلـق بسی قـــدر و قیمت است اما توئی به پیش همه، بس زبـــون و خـــوار

******

خندیده گفت مار که ای گنــج شایگـــــــان نشنیده ای مگـر ز کسی حــرف گنج و مار
ما را به توست نسبتِ از حـد فـزون، بلی چندان که نسبت گـــــــــل زیبا و نیش خار
ما خـــود به همنشینی تو خـــــوش نبوده ایم ما را نشانده بر سر تو، دست روزگـــــــار
ما را ازان به پهلـــــــــــویِ تو راه داده اند تا ساده بر تو دست نیابند و مفتخـــــــــوار
ما نیش میـــــــــزنیم و ترا نوش میدهیم اینست شیوه ای که به ما داده کـــــــــاردار

گـــــردون که در طـــــــریقهٔ داد و ستد شود شیر است و شهد همره و گل است و نیش خار
بیهوده نیست این همه تلـــخ و تروش چـرخ در این عمل نهان بُوَدَش، رمزها هـــــــــزار

بی نیش نوش می ندهد گـردش زمان
اینست شیوه ای که فلک کرده اختیار

(م. نسیم «اسیر» ـ کابل عزیز، ۲۵ قوس ۱۳۳۳ش)